



دکتر فریدون سیامکنزاد

#### مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زنیم تا راهی محل کار شویم، با افراد زیادی برخورد می‌کنیم و روبه‌رو می‌شویم که هر کدام می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از مواجه احتمالی با رفتگر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک به‌دلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی سوار وسیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی که آن را ترک می‌کنیم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌ای برایمان باشد. یا خاطره‌ای را از زمان‌های دور برایمان زنده کند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌کنیم، بستگی به نوع کاری که داریم. همه‌اش می‌تواند تداعی‌کننده مسأله‌ای یا احیاناً خاطره‌ای باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انسان‌ها، و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغری و کبری چیدن‌ها می‌رسیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی است که کار کردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن، و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد.

بنابراین، تصمیم گرفتم تا مسایل به‌وجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشت‌های داروخانه» قلمی کنم. بنابراین مطالبی را که در پی می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مسایل جاری داروخانه است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

دادن آن «رج» می‌زدند، من هم توی این سن و سال مجبورم نسخه‌های بیمه را «رج» بزنم. یعنی یک دسته نسخه را از اول تا آخر امضا می‌کنم، سپس از آخر تا اول مهر می‌زنم! البته، بعضی اوقات هم عکس این کار را انجام می‌دهم!

### یادداشت ۳

یکی دو تا تک سرفه کرد و روی صندلی داروخانه نشست تا حالش کمی جا بیاید. مردی جا افتاده و حدوداً هفتاد ساله بود. برای تک سرفه‌ها و سوزش گلویش دارو می‌خواست. یک شربت دیفن‌هیدرامین کامپاند به او دادم و گفتم روزی ۳ الی ۴ قاشق غذاخوری می‌خورد تا هم سرفه‌اش قطع شود و هم سوزش گلویش تسکین پیدا کند. ضمناً به صورتش که نگاه کردم احساس کردم که کمی سرخ است. به او گفتم ممکن است سرخی صورتش مربوط به آفتاب سوختگی باشد و بهتر است از کرم‌های محافظت‌کننده پوست استفاده کند.

با همان حالت جا افتادگی و خون‌سردی گفت: آقای دکتر! از وقتی فشار اقتصادی زیاد شده و گردش زندگی سخت شده، ما هم مجبوریم با سیلی صورتمان را سرخ نگاه داریم. علتش این است و به آفتاب سوختگی ربطی ندارد!

### یادداشت ۴

سر راست نبودن قیمت مصرف‌کننده دارو از یک سو، و اضافه شدن حق فنی غیر سر راست‌تر دارو نیز از سوی دیگر، باعث شده تا هم مریض و

### یادداشت ۱

وقتی قیمت دارویی به مریض گفته می‌شود، هر کس با فرهنگ خودش، از زیر بار خریدن آن شانه خالی می‌کند! البته، این مسأله از زمانی شروع شده که قیمت دارو به واسطه تغییر نرخ ارز افزایش یافته است. یکی می‌گوید: فردا می‌آیم!

دیگری می‌گوید: فعلاً پول همراهم نیست! یکی عنوان می‌کند: آقای دکتر، ماه پیش که خریدم، قیمتش خیلی ارزانتر بود!

بعضی‌ها هم اظهار می‌دارند که: نوع تولید داخلی دارو را ندارید؟ البته، این مورد همان‌طور که از پاسخ معلوم است، در مورد درخواست داروی خارجی صادق است.

ولی آن روز خانمی قیمت دارویی را سؤال کرد و وقتی پاسخ شنید، اظهار داشت: چون دارو را برای خواهرم می‌خواهم، به خودش می‌گویم بیاید تهیه کند! صدقتش مرا کُشت!

### یادداشت ۲

باز هم مجبورم از ضرب‌المثل‌های شیرین فارسی کمک بگیرم. آن‌جا که می‌گوید: «سر پیری و معرکه گیری»، مصداق کار بنده است. چون قائم مقام مسؤؤل فنی داروخانه نسخه‌های بیمه را پاراف می‌کند، من مجبورم هر چند روز یک بار نسخه‌های بیمه را مهر و امضا کنم. حالا این کار چه ارتباطی با ضرب‌المثل بالا دارد، عرض می‌کنم. برای این که کار زودتر و راحت‌تر انجام شود، مثل بچه‌های اول دبستان که جریمه می‌شدند و برای زودتر انجام

هیچ رودر بایستی از آقای دکتر سؤال کرده‌اند و پاسخ شنیده‌اند و داروخانه را ترک کرده و رفته‌اند.

### یادداشت ۶

میزان مصرف درست دارو، نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود زودتر بیماری دارد. در دستور مصرف بعضی از داروها توسط بعضی از همکاران پزشک این مسأله کمتر رعایت می‌شود. بعضی از بیماران هم وسواس شدیدی در مصرف دارو دارند و خیال می‌کنند اگر یک قرص بیشتر بخورند، آسمان به زمین می‌آید. البته این مسأله تا حدودی به کوتاهی در اطلاع‌رسانی هم ربط دارد.

خانمی که به داروخانه مراجعه کرده بود، برای بیمارارش که دچار درد شدید کمر ناشی از تنگی کانال نخاعی بود، داروی مسکن می‌خواست.

ایبوپروفن به صورت کپسول نرم (سافت‌ژل) و استامینوفن ۵۰۰ میلی، همراه هم توصیه کردم. مثل برق گرفته‌ها سؤال کرد که همراه خوردن این دو قرص اشکالی ندارد؟

برایش شرح دادم که میزان مصرف واقعی این دارو چه قدر است و همراه خوردن آن‌ها اثر تکمیلی یا سینرژیسم دارد و تداخل دارویی هم ندارد. تشکر کرد و ظاهراً قانع شد و رفت.

### یادداشت ۷

اگرچه بعضی‌ها ارزاق عمومی مصرفی‌شان را برای یکی دو ماهی در خانه دارند، ولی اکثر قریب به اتفاق مردم، روزانه خرید می‌کنند. مثلاً نان مصرفی را، یا لبنیات را روزانه تهیه می‌کنند.

هم داروخانه دچار مشکل شوند. همه مشکل هم مربوط به کمبود یا نبود پول خرد است. البته، از زمانی که قیمت دارو افزایش یافته و قدرت خرید مردم نیز کاهش پیدا کرده، مشکل بیشتر هم شده است. به خصوص که به خاطر مسایل اقتصادی اکثر مراجعه‌کنندگان به داروخانه ترجیح می‌دهند که داروی مصرفی‌شان را محدود خریداری کنند. خلاصه بحث و جدل بر سر پول خرد یکی از مشکلات اساسی داروخانه شده است. مثلاً وقتی قیمت داروی بیمار ۱۳,۵۰۰ ریال می‌شود، چنانچه پانصد تومان موجود باشد، با یکصد و پنجاه تومان باقیمانده چه باید کرد، که بیمار هم اظهار می‌دارد لطفاً چسب زخم یا دستمال جیبی ندهید، در خانه زیاد دارم!

### یادداشت ۵

خانم دکتر داروخانه نیستند؟

حدوداً خانمی ۳۵ ساله به نظر می‌رسید و ظاهرش هم مثل اکثر خانم‌هایی بود که همه روزه در کوچه و خیابان شاهد حضورشان هستیم.

وقتی گفتم که خانم دکتر امروز حضور ندارند بدون هیچ عکس‌العملی، راهش را کشید و رفت. یعنی اصلاً فرصت نداد که به ایشان بگویم اگر سؤالی دارید، آقای دکتر به جای خانم دکتر هستند! احتمالاً سؤالی داشت که حتماً باید از خانم دکتر می‌پرسید. این که می‌گویم حتماً، از نظر فرهنگی می‌گویم، وگرنه بارها و بارها با کسانی روبه‌رو شده‌ام که آن قدر به قول معروف فرهنگ بازی داشته‌اند که محرمانه‌ترین سؤالات پزشکی را بدون

از آن‌ها حدوداً بیست و دو، سه ساله بود و دیگری هم تقریباً هفت، هشت سالی از آن یکی بزرگتر بود. وقتی پاسخ منفی شنید، پرسید: این قرص برنج مگر چیست که من از دو، سه داروخانه سؤال کردم و نداشته‌اند!

ظاهر هر دوی آن‌ها نشان می‌داد که می‌دانند چه می‌خواهند. مگر می‌شود کسی از داروخانه قرص برنج بخواهد و نداند که چیست؟

تا آمدم به آن‌ها بگویم که قرص برنج به دلیل سمی بودن و احتمال استفاده از آن برای خودکشی در داروخانه‌ها موجود نیست، هر دو خانم جوان تشکر کردند و همراه با خداحافظی از داروخانه خارج شدند.

بنده هم حرفم در دهانم ماسید!

اگر در مورد داروهای مصرفی هم، بیماران این اصل را رعایت کنند، و از آن مهم‌تر، همکاران پزشک سعی کنند داروهای مصرفی را به صورت انبوه نسخه نکنند، مشکلات داروخانه در مواجهه با بیماران خیلی کم می‌شود.

مثلاً وقتی بیماری به داروخانه مراجعه می‌کند و برای دارویی که باید روزی یکی مصرف کند پزشک برایش یک بسته صد عددی نوشته، چقدر باید کش و واکش داشته باشی و در بعضی موارد «اره بده تیشه بگیر» کنی تا مریض را قانع کنی که به جای مصرف صد روزه‌اش، برای مثلاً بیست روزش دارو بگیرد!

## یادداشت ۸

قرص برنج دارید؟  
دو خانم نسبتاً جوان بودند که سؤال کردند. یکی

